



کامل خیرخواه

کار و حقوق کارگر در جمهوری اسلامی

توجه داشته باشید ، دشمن می خواهد بیشترین سوء استفاده را از احساسات پاک کارگران و کشاورزان کند

فضای باز سیاسی بمعنی کامل کلمه ، در ایران امروز که نتیجه آن همه مجاهدتها و جانبازیهای ملت مسلمان ما است ، تمامی جمعیتهای کوچک و بزرگ و احزاب سیاسی را به اظهار نظر در جمیع امور به ویژه در دفاع از حقوق مردم برانگیخته است . از مسائلی که اینک سخن روز بلکه " مد " روز شده است ، و بیش از همه ، گروههای فرصت طلب و احياناً ماجراجو ، با آب و تاب روی آن تکیه می کنند ، مساله کار و حقوق کارگر است .

کارگر و کشاورز ما که تا دیروز بیش از هر قشر دیگر جامعه ، زیر فشار استبداد و خفقان بود ، و از انواع محرومیتها رنج شدید می برد ، امروز نفس راحتی می کشد و در نهایت امنیت و آزادی ، خواسته ها و آرمانهایش را ابراز می کند ، و حقوق مشروع و طبیعی اش را می طلبد .

اما سخن در این است که چه اشخاصی می‌خواهند تلاشها و فریادهای حق‌طلبانه‌ی کارگران و کشاورزان مسلمان ما را از مسیر اصلی مبارزه منطقی شان منحرف کنند و برای چه منظوری زیرماسک حمایت از کارگر و کشاورز، سنگ طرفداری از این قشر زحمتکش و تولیدگر را به سینه می‌زنند؟

همگی، خواننده یا شنیده‌ایم که برخی خودآگاه یا ناخودآگاه عملاً در جهت خدمت به بیگانه و ایجاد تزلزل و تشویش در کارگر و کشاورز، به کارخانه‌ها و کارگاه‌ها و موروستا می‌روند تا کارگران و کشاورزان را برخلاف مصالح مملکت و فرمان رهبر انقلاب مبنی بر ادامه کار و تولید هر چه بیشتر، تحت عنوان فریبنده دفاع از حقوق توده‌های زحمتکش، آنان را به ادامه اعتصاب یا کم کاری دعوت می‌کنند و در برادران کشاورزمان، روح یاس و نومییدی پدید می‌آورند!

در رابطه با این مسائل، این سؤال پیش می‌آید که آیا در جمهوری اسلامی برای این گروه بحق زحمتکش و مولد انواع خوراک، پوشاک و محصولات صنعتی و امثال آن، چه تسهیلاتی در کارگاه‌ها و روستاها و چه رفاه و تامین آسایشی در سطح وسیع زندگی پیش‌بینی و منظور خواهد شد؟ آیا اصولاً اسلام به کارگر و کشاورز (که جهان امروز در حمایت از آنان تبلیغات عوام فریبانه گسترده‌ای دارد) چه ارزشی قائل است و برای این طبقه زحمتکش، در جامعه انسانی چه نقش و منزلتی می‌شناسد؟

در اینجا ضروری است قبل از بیان وظیفه حکومت جمهوری اسلامی و نظر اسلام، در ارتباط با حقوق کارگر و کشاورز نگاهی کوتاه بیافکنیم به ارزش کارگر و کشاورز در حکومت‌های سوسیالیستی شرق و امپریالیستی غرب.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 کتابخانه دیجیتال جامع علوم انسانی

وضع کارگران و کشاورزان در غرب

تا آنجا که می‌دانیم وضع کشاورزان غربی تا حدودی از وضع کشاورزان بسیاری از ممالک شرقی بهتر است، برای آنان راه‌های اسفالت، کشاورزی مکانیزه و دامداری و دامپروری با اسلوب صحیح صنعتی امروزه ایجاد کرده‌اند.

گرچه نباید از نظر دور داشت که در جامعه غربی، کار کشاورزی و دامداری آنهم بصورت مکانیزه در بسیاری از موارد بدست خرده "بورژوا"ها و سرمایه‌داران کوچک صورت می‌گیرد که این خود نوعی بیعدالتی در حق کارگران و کشاورزان ضعیف محسوب

متأسفانه وضع کارگران در حکومت‌های امپریالیستی غرب بهتر از کارگران رنجبر و باربدوش حکومت‌های سوسیالیستی شرق نیست. در غرب علاوه بر تبعیضات ناسانی که بین کارگران وجود دارد، و امتیازات غیر منطقی حتی از جهت دستمزد، حاکم بر انسان است که روحشان را سخت می‌آزارد، رفتار کارفرمایان، گاه چنان وحشیانه است که نظیر آن را حتی در جنگها کمتر می‌توان یافت.

ما در اینجا به عنوان اینکه مشت نمونه خروار است به یک مورد از جنایاتی که یک کارفرمای غربی به کارگران بیچاره وارد کرده است اشاره و قناعت می‌کنیم.

" معدنچیان معادن متعلق به " راکفلر " (سرمایه دار بزرگ آمریکائی) برای اضافه دستمزد بخور و نمیر خود اعتصاب کرده بودند. فوراً همه ایشان را با زنان و کودکانشان از کلبه‌های چوبینی که در آن می‌زیستند و به راکفلر تعلق داشت بیرون انداختند. سندیکای معدنچیان، برای این کارگران، چادرهایی ترتیب داد و کارگران با وجود سرمای سخت زمستان، ناچار در آن چادرها منزل کردند. مزدوران مسلح راکفلر در همان چادرها به کارگران حمله‌ور شدند. یکی از اعتصابیون که یونانی بود با پرچم سفیدی (به نشانه صلح و مسالمت) از چادر خود بیرون آمد تا با زاندارم های راکفلر درباره صلح مذاکره کند، لیکن راهزنان مزدور آن خائن، مغز او را با چماق پریشان کردند! پس از ارتکاب این جنایت، نفتی را که از انبارهای راکفلر باخود آورده بودند به‌سروی چادرها پاشیدند و همه را آتش زدند.

حکومت ایالات متحده تحت فشار افکار عمومی، ناگزیر شد هیئتی را برای تحقیق درباره این حوادث به محل بفرستد. گزارش این هیئت مشعر بود بر اینکه " پنج نفر از اعتصابیون، یک پسر بچه، و سیزده زن و طفل شیرخواره با گلوله نگهبانان مسلح کمپانی معدن، در دود و یا شعله حریق که نگهبانان مزبور با سوزاندن چادرهای آنان ایجاد کرده بودند، جان داده‌اند " ۱

و این است نمونه رفتار غرب متمدن و مدافع حقوق بشر با گروه زحمتکش کارگر.



و اما در شرق چطور؟

ناگفته پیداست که وضع کارگران و کشاورزان در کشورهای سوسیالیستی شرق، به

مراتب بدتر از وضع این گروه در کشورهای سرمایه داری غربی است. در اینجا نیز (مانند آمریکا به عنوان نمونه کشورهای غربی مثال آوردیم) از کشور کمونیستی شوروی که مدعی حکومت کارگر و دفاع از حقوق آنهاست، به جهت ارائه نمونه یاد می کنیم، تا رفتار سردمداران این مکتب را با کارگران و کشاورزان (که هر دو طبقه در این سرزمینها وضعی مشابه دارند) به خوبی مجسم سازیم.

کشورهای کمونیستی نه؛ بلکه به قول خودشان سوسیالیستی شرق، و در پیشاپیش همه آنها شوروی در فریادهای فریبای خویش، فراوان از حقوق کارگران و کشاورزان دم می زنند، و چنین وانمود می کنند که در مکتب کمونیسم، سوسیالیسم، طبقه کارگر و کشاورز در رفاه و آسایش زندگی می گذارند و فاصله های بین این طبقه و ملاحزب حاکم وجود ندارد. و هم اینها هستند که تمامی طبقه "پرولتاریا"ی جهان را به وحدت و یکپارچگی جهت رسیدن به حقوقشان دعوت می کنند، در حالی که به قول دانشمند و نویسنده ناراضی شوروی (سولژینستن) حتی یکبار هم حزب حاکم کمونیست این مملکت، برخوردی صادقانه با این مکتب نداشته است.

همو می گوید جنایت و خیانت حزب حاکم شوروی نسبت به طبقه کارگر از همان روزهای نخستین موفقیت انقلاب چهره وحشتناک خود را نمایاند.

"نمایندگان تحمیلی کارگران کارخانه "پتروگراد" که در واقع این مرکز، لقب گهواره انقلاب به خود گرفته بود، وعده های خود را مبنی بر رعایت حقوق حقه کارگران یکی پس از دیگری زیر پا نهادند و سپس خود به طرف "مسکو" گریختند.

هنگامی که انبوه کارگران خواستار انتخابات آزاد کمیته های مستقل کارگری شدند از سوی حکومت، همه آنها را در محوطه کارخانه به مسلسل بستند و درو کردند...^۲

ممکن است خواننده عزیز تصور کند که چون اوایل انقلاب بود و طبعاً هر انقلابی هیجانانگیز و تاحدودی خشونت و بی نظمی در پی دارد، لذا جنایات وارد بر کارگران نیز در اثر همان هرج و مرج ناشی از آغاز پیروزی انقلاب بوده است. اما اگر نیک بنگریم و رفتار حزب حاکم کمونیست شوروی را هم اکنون از نزدیک مشاهده کنیم، می بینیم به هیچوجه رفتارشان با زحمتکشان این جامعه بهتر نشده است.

بی گمان از قیام کارگران شهر "نووچرکاسک"

به سال ۱۹۶۲ میلادی که در زمان "خروشچف" و پس از آب شدن یخهای روزگار استبداد استالین روی داد چندان که باید آگاه نیستیم.

نویسنده معروف شوروی "سولژینستن" می نویسد "در حادثه قیام "نووچرکاسک" کارگران به آرامی و بی کمترین تعرضی، در حالی که تصویر "لنین" را در پیشاپیش صفهای

خود حرکت می‌دادند، به سوی کمیته حزبی شهر روانه شدند. آنان بهبود وضع اقتصادی و زندگی خویش را خواستار بودند. اما با مسلسل‌ها به روی کارگران آتش گشودند و با تانکها، صفهای نمایش دهندگان را پراکنده کردند. هیچ خانواده‌ای جرات نکرد اجساد کشتگان یا مجروحان خود را از خیابانها و کوچه‌های شهر بردارد. همه‌ی اجساد کشتگان و مجروحان را پنهانی بردند و دیگر کسی روی آنان را ندید و هرگز خبری هم از آنان باز نیامد!^۳

و اکنون "رفیق" کمونیست، با کدامین پشتوانه علمی و عملی این مکتب، که دلش‌بدان‌گرم و وجدانش راضی‌باشد به کارخانه‌ها گام می‌نهد و کارگران مسلمان‌وزحمتکش مملکتش را به چنان مکتبهائی گرایش می‌دهد؟

مگر نه این است که کارگران کمونیست در آنجاها با شدیدترین رفتار حزب حاکم روبرو هستند و کمترین غیبت، کم‌کاری و سرپیچی از "متد" دیکته شده‌ی هیئت حاکمه برابر است با کارهای سنگین در اردوگاههای کار اجباری، محرومیت، و احياناً نابودی برای همیشه؟

آیا نظریه کمونیسم که می‌گوید کارگر باید عملاً برده دولت باشد منطقی و بهتر است یا روش اسلام که کارگر را حاکم بر دستاوردهای اقتصادی خود می‌داند؟ وجدانان داور باد.

ارزش کارگر و کشاورز در اسلام

اسلام نسبت به قشر کارگر و کشاورز توجه و اهتمام خاصی دارد، ارزش یک کارگر و کشاورز در اسلام بجهت تولید نیازهای زندگی جامعه، بیش از دیگر گروههای آن می‌باشد. روزی پیامبر بزرگوار اسلام (ص) از کنار یک کارگر انصاری می‌گذشت که پینه و صلابت پوست دست او توجه آنحضرت را به خود جلب نمود. پیامبر (ص) پرسید این پینه دست از کجا است؟ آن مرد در پاسخ گفت در اثر بیل زدن که بدان وسیله عائله و معیشتم را اداره می‌کنم.

رهبر عظیم‌الشان اسلام، دست این کارگر مسلمان را به گرمی فشرد (وبه‌روایتی بوسید) و سپس دستش را پیش روی اصحاب بلند کرد و این سخن افتخار آفرین و غرور آور را در تجلیل از مقام کارگر و توجه به ارزش کار در اسلام ایراد فرمود

" ای مردم این دستی است که خدا آنرا دوست می‌دارد. " ۴

پیشوای بزرگ اسلام ، برای کارگران حقوقی عظیم می‌شناسد و کمترین غفلت و تعلل را از سوی کارفرما (شخص باشد یا دولت و شرکت) در ادای حقوق متناسب با وضع زندگی کارگر و میزان ارزش کار او ، برابر می‌داند با محرومیت از رحمت الهی و باطل شدن تمامی کارهای نیکی که انجام داده است. ۵

با توجه به این که اسلام ، آزادی‌گزینش شغل ، انتخاب محل کار ، حق تصمیم‌گیری ، تعیین ساعت رسمی کار به یک سوم اوقات شب و روز ، مشارکت در سرنوشت جمعی نوده‌ها در جمع جهات زندگی سیاسی و حقوق انسانی ، و حق اظهار نظر در مسایل گوناگون اجتماعی را از حقوق اولیه کارگر می‌داند ، ۶

با قاطعیت تمام می‌توان گفت که این گروه زحمتکش در هیچ یک از مکاتب موجود جهان دارای چنان منزلتی عظیم و شخصیتی متناسب با ارزشهای اصیل انسانی خود ندارد .

در اهمیت کشاورزی همین بس که بسیاری از پیامبران خدا (ص) و ائمه اسلام به کار کشاورزی سرگرم بودند ، در تاریخ اسلام قصه‌های شیرین و آموزنده‌ای از زندگی کشاورزی پیشوایان مذهبی ضبط است . امیر مومنان علی (ع) بیل بدست در باغها و مزارع با تلاشی پیگیر و کوششی خستگی ناپذیر کار می‌کرد ، و تخم درختان را در دل زمین می‌کاشت ، و از این رهگذر ، جهت تولید بیشتر و کمک به محتاجان درس کار و کشاورزی به انسانها به‌ویژه به پیروان خود می‌آموخت . ۷

برنامه‌های اسلام برای تشویق کشاورز در جهت توسعه کشاورزی و تولید بیشتر ، گسترده و اعجاب‌آمیز است . اسلام بر خلاف کاپیتالیسم که کارگر و کشاورز را به استثمار گرفته و نیز برخلاف کمونیسم که این قشر مولد را به بردگی حزب حاکم و دولت در آورده کشاورزان را حاکم بر مقدرات خود می‌داند .

وظیفه حکومت جمهوری اسلامی

با در نظر گرفتن تاکید و تشویقی که اسلام در زمینه کار و کشاورزی دارد ، و برنامه‌های متین و جامع الاطرافی که در جهت تولید بیشتر و تجلیل از مقام کشاورز و کارگر ، و تاکید بر قراردادادن امکانات در اختیار این گروه تولیدگر بعمل آورده ، بر حکومت جمهوری اسلامی است با الهام از رهنمودهای آئین آسمانی اسلام در این باره ، به اقتصاد و تولید در صنایع ملی و مواد غذایی کشور ، حیات تازه‌ای ببخشد .

حکومت جمهوری اسلامی ایران باید همه امکانات^۹ را برای تامین صنایع گوناگون

ملی و فراهم آوردن تمامی نیازهای خوراکی در داخل کشور، در اختیار کارگران و کشاورزان محترم قرار دهد. یکی از راههای تشویق این طبقه زحمتکش برای دلگرمی و تولید بیشتر - تجلیل از مقام انسانی و شناخت موقعیتشان و سپاسگزاری در برابر درآمدهای اقتصادی آنان است.

در گذشته کارگران و کشاورزان، علاوه بر محرومیت‌های همه جانبه، دچار تحقیر و گرفتار عوامل کوبنده شخصیت هم بودند. پاسداری از حقوق انسانی کارگر و کشاورز و ارج‌گزاری بر بارزده بازوان پرتوان آنان، بهترین نیروی محرکی است که می‌تواند تولید بیشتر صنایع ملی و رفع نیازهای خوراکی را در داخل کشور سبب گردد.

اما باید توجه داشت که تنها حق شناسی و تجلیل از مقام کارگر و کشاورز، کفایت نمی‌کند، بلکه حکومت جمهوری اسلامی باید تهیه مسکن، ایجاد راههای اسفالت، تهیه آب و برق و تاسیس مراکز درمانی و بهداشتی را در اماکن کارگری و در سطح روستاهای کشور در اولویت کار خود قرار دهد تا از فرار کشاورزان به سوی شهرها مانع گردد.

با توجه به اهمیت این موضوع است که رهبر انقلاب، گامهای برجسته و ستودنی در جهت بهبود وضع کارگران، کشاورزان و مستضعفان برمی‌دارد، و ناله‌های دردآلودش را در حمایت از این قشر زحمتکش، فریاد می‌کند و با صراحت اعلام می‌دارد که

اموال رژیم منقر سابق و چپاولگران بیت المال عمومی در جهت رفاه و آسایش این گروه، مصادره می‌شود، و برنامه انسانی و غرورآور خانه سازی را که ضروری ترین و مقدس ترین عمل پس از انقلاب است به آگاهی تمامی توده‌ها می‌رساند و از همه قشرها در این جهاد مقدس کمک می‌طلبد. امیداست با استقبال پرشوری که ملت مسلمان ایران از این امر انسانی کرده و قشرهای گوناگون جامعه اعلام همکاری نموده‌اند هرچه زودتر کارگران، کشاورزان و خلاصه مستضعفان از بی‌خانمانی بدرآیند.

۱- درباره مفهوم انجیلها ص ۱۸۶

۲- نگاه کنید به زمامداران شوروی ص ۹۴ ما مطالعه این کتاب را بعموم ملت ایران بویژه کارگران مسلمان سفارش می‌کنیم.

۳- به زمامداران شوروی ص ۹۸

۴- هده یدیحبها الله. کار و حقوق کارگر ص ۲۵۳

۵- قال (ص) من ظلم اجیرا اجره احبط الله تعالی عمله و حرم علیه ریح الجنسه و ان ریحها کثوجدمسیره خمسه عام " سفینه البحار " ج ۱ ص ۱۲

۶- نگاه کنید به کتاب کار و حقوق کارگر بخش اسلام و حقوق کارگر

۷- در کتاب وسایل الشیعه طبع جدید جلد ۶ ص ۲۴ چندین روایت در تشویق به کار کشاورزی نقل شده است.

۹- در عهدنامه معروف مالکاشتر یکی از وظایف حکومت اسلامی تهیه امکانات برای عاملان اراضی بیان شده است.